

نظریه استراتژی‌های ژئوپلیتیکی تولید صلح، امنیت و توسعه

(از: دکتر محمدرضا حافظ نیا، استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس)

تهران - سال ۱۳۸۹

منظور این است که آیا می‌توان با اتخاذ یکسری از رویکردها و راهبردها در اداره کشورها از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک برای تولید صلح و توسعه استفاده کرد؟ اصولاً می‌شود از طریق اتخاذ یکسری راهبردها، کشمکش‌ها و منازعات را کاهش داد و به تقویت صلح، همکاری، امنیت و توسعه کمک کرد؟ به نظر می‌رسد که چنین امکانی وجود دارد و دولت‌ها، حکومت‌ها و سیاست‌مداران می‌توانند با اتخاذ رویکردها یا استراتژی‌های ژئوپلیتیکی به تقویت صلح و همکاری، توسعه و امنیت کمک کنند.

استراتژی‌های مفروض در این زمینه به شرح زیر می‌باشند:

الف) استراتژی توسعه‌ی توریسم و یا گردشگری:

توریسم از دو بعد داخلی و بین‌المللی برخوردار است. توریسم یا گردشگری عبارت است از ایجاد فرآیند حرکت شهروندان یا انسانها در یا بین مکانها و فضاهای جغرافیایی به منظور بهره‌مندی از ظرفیت‌های آرام‌بخش و آسایش بخش آنها برای کاهش تنش‌ها و آلامی که انسانها در پرتو زندگی‌هایی نظیر شهرنشینی تحمل می‌کنند. در یک جمله توریسم هدفش ایجاد لذت روحی و جسمی و رضایت‌مندی در بین گردشگران مبتنی بر ظرفیت‌های مکانها و فضاهای جغرافیایی است. توریسم چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی متضمن آثار متفاوتی است.

۱-۱ استراتژی توریسم در بعد داخلی: در بعد داخلی توریسم علاوه بر جنبه‌های تولید اقتصادی (توسعه)، نقش مؤثری در همگرایی ملی و ادراک جمعی، وفاق عمومی و تنش‌زدایی در روابط شهروندان و ساکنین فضاهای جغرافیایی داخل کشورها را دارد. به طور مشخص انسانها در داخل فضای جغرافیایی کشورها، زادگاه و زیستگاه منحصر به خود را دارند و در فواصل جغرافیایی دور از همدیگر شناخت و درک متقابلی ندارند، بنابراین تفاهم ملی و شناخت ملی از یکدیگر تضعیف می‌شود. در چارچوب این استراتژی، حرکت شهروندان در فضای جغرافیایی و به عبارتی به چرخش درآمدن آحاد ملت در فضای جغرافیایی به شناخت متقابل، فهم متقابل، تفاهم، همکاری متقابل، وفاداری ملی، و صلح و امنیت داخلی و عمومی کشور کمک می‌کند.

۲- **استراتژی توریسم در بعد بین المللی:** این بعد از توریسم همانند توریسم داخلی که تفاهم ملی ایجاد می کند، به شناخت ملت ها از یکدیگر، کدورت زدایی، تفاهم، صلح، امنیت، تولید ثروت و توسعه کمک می کند. یکی از راههای تضمین امنیت ملی کشورها توسعه جهانگردی و توریسم بین المللی است که رابطه ای متقابل با امنیت دارد. در این راهبرد وجود اتباع خارجی در قالب توریست و گردشگر بصورت انبوه در فضای ملی، بعنوان یک عامل بازدارنده از تهاجم خارجی عمل می کند.

ب) معادله ژئوپلیتیکی:

کشورهای جهان به یکدیگر وابسته و محتاج هستند به خصوص کشورهای همسایه. اگر کشوری به صورت یک جانبه به کشوری محتاج باشد امنیت و مصالح ملی اش به چالش کشیده می شود. براین اساس برای ایجاد موازنه ژئوپلیتیکی و پیشگیری از به چالش کشیده شدن، کشور محتاج می تواند در چارچوب نیازهای کشور مقابل، او را به یکی از مزیت های سرزمینی خود وابسته کند. نظیر انرژی در برابر آب و ترانزیت و یا بر عکس.

بدین ترتیب کشورها می توانند توازن ژئوپلیتیکی را بین خودشان برقرار کنند و روند همکاری و صلح را ادامه دهند و از گرفتاری و به چالش کشیده شدن کشورشان در سیستم های منطقه ای و جهانی و بروز تنش در روابط خود با یکدیگر پرهیز کنند.

ج) استراتژی سرمایه گذاری خارجی و توسعه آن در فضای ملی:

جلب و توسعه سرمایه گذاری خارجی و استقرار آن در قلمرو جغرافیایی کشورها علاوه بر توسعه، زمینه ساز امنیت ملی آنهاست. زیرا بهنگام خطر و تهدید، دولت های سرمایه گذار برای حفاظت از سرمایه های اتباع خود در کشور مورد هدف تهدید وارد عمل می شوند، و بعنوان نیروی بازدارنده در فرایندهای سیاسی، بین المللی و حتی عملیاتی اقدام می کنند.

د) استراتژی پیوند نیازهای دیگران به فضای کشور:

یعنی اینکه یک کشور بر اساس مزیت های سرزمینی خود نظیر ترانزیت، منابع طبیعی، انرژی، منابع رو ساختی و انسان پایه نظیر تکنولوژیکی و اقتصادی، نیازهای سایر کشورها را به فضای کشورش پیوند بزند. وابسته کردن دیگران به خود یعنی امنیت، قدرت، منزلت و بهبود موقعیت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم منطقه ای و یا جهانی. بر این اساس

کشورهای وابسته، احساس نوعی فرودستی منزلت ژئوپلیتیکی نموده و جانب احتیاط را در روابط خود با کشور مقابل رعایت می کنند. همچنین کشور وابسته کننده از برتری منزلت ژئوپلیتیکی و نتیجتاً موضع ابتکار عمل برخوردار بوده و قدرت شکل دادن به فرایندهای فی ما بین را خواهد داشت.

(و) استراتژی عدالت جغرافیایی:

عدالت جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های توسعه مکانها و فضاهای جغرافیایی با شاخص‌های توسعه متناظر سطح بالاتر: نظیر سطح استانی، کشوری و ملی، منطقه ای، کروی و جهانی. عدالت جغرافیایی از طریق ساز و کار آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی، به توسعه متوازن مکان و فضای جغرافیایی منجر شده و موجبات رضایت شهروندان و اعتماد آنها را به سازه مدیریت سیاسی فضا و سیستم سیاسی مربوطه فراهم میکند، و از شکل‌گیری ذهنیت شهروند درجه دو و یا اجحاف ملی در بین آنها تا حد زیادی جلوگیری می کند. عدالت فضایی/جغرافیایی همچنین از فرایندهای جدایی‌گزینی و قهر ملی و توسعه کشمکش و منازعه بین گروه‌های ملی با دولت مرکزی نیز پیشگیری می کند.